

تفکر نقادانه  
درباره مسائل اخلاقی

ریچارد پل و لیندا الدر

بازنویسی

مهدی خسروانی

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران، ۱۴۰۱

***The Thinker's Guide to  
Understanding the Foundations of Ethical Reasoning***

Richard Paul & Linda Elder  
2006

**تفکر نقادانه درباره مسائل اخلاقی**

ریچارد پل - لیندا الدر  
بازنویسی مهدی خسروانی



نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده  
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۱۰۰

طراح یونیفورم جلد: محمد جهانی مقدم

چاپ و صحافی: سپیدار

ناظر چاپ: بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

**فهرست کتابخانه ملی**

سرشناسه: پل، ریچارد Paul, Richard □ عنوان و نام پدیدآور: تفکر نقادانه  
درباره مسائلی اخلاقی / ریچارد پل، لیندا الدر: بازنویسی مهدی خسروانی □  
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ نشر نو: آسیم، ۱۴۰۰ □ مشخصات ظاهری:  
۱۷۵ص. □ شابک: ۸-۳۲۸-۴۹۰-۶۰۰-۹۷۸ □ وضعیت فهرست‌نویسی:  
فیفا □ یادداشت: عنوان اصلی: *The thinker's guide to understanding the  
foundations of ethical reasoning: based on critical thinking concepts*  
& tools, 2019. □ موضوع: تفکر انتقادی: قضاوت (اخلاق): استدلال: اخلاق  
- فلسفه □ شناسه افزوده: الدر، لیندا، ۱۹۶۲ - م.: خسروانی، محمد مهدی،  
۱۳۵۶ - ، مترجم □ رده‌بندی کنگره: BF۴۴۱ □ رده‌بندی دیویی: ۱۵۳/۴۳ □  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۴۳۹۵۸

مرکز پخش: آسیم

تلفن و دورنگار: ۵-۸۸۷۴۰۹۹۲

فروشگاه اینترنتی: [www.nashrenow.com](http://www.nashrenow.com)

قیمت: ۸۸۰,۰۰۰ ریال

## بخش ۱

# کارکرد و مانع‌های اصلی اخلاق‌شناسی

کاش افراد شرور جایی پنهانی مشغول اعمال شرورانه خویش می‌بودند و تنها کاری که باید می‌کردیم این می‌بود که آنها را از دیگران جدا و نابود کنیم. اما خطی که خیر و شر را از هم جدا می‌کند از میان وجود هر انسان می‌گذرد.

الکساندر سولزنیستین، مجمع‌الجزایر گولاگ

## ۱.۱. کارکرد اخلاق‌شناسی

کارهایی که انسان‌ها انجام می‌دهند را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: کارهایی که زندگی دیگران را بهتر می‌کنند (و بنابراین، شایسته ستایش‌اند) و کارهایی که به دیگران آسیب می‌رسانند یا زندگی آنها را بدتر می‌کنند (و به همین دلیل، شایسته سرزنش‌اند). نقش اصلی استدلال اخلاق‌شناسانه این است که تفاوت این دو نوع کار را برجسته کند. اما چرا پرورش توانایی‌های استدلال اخلاق‌شناسانه و سنجش‌گرانه‌اندیشی درباره اخلاق تا این اندازه اهمیت دارد؟ زیرا انسان‌ها طبیعتاً گرایش شدیدی به خودپرستی، پیش‌داوری، خودفریبی، و برحق‌نشان‌دادن خود دارند. از سوی دیگر،

پاره‌ای عامل‌های فرهنگی و اجتماعی، که نقشی پررنگ در شکل‌گیری زندگی ما دارند و به جامعه‌محوری و اندیشیدن جامعه‌محورانه دامن می‌زنند، بر شدت این گرایش‌های طبیعی می‌افزایند؛ یکی از اصلی‌ترین این عامل‌ها، رسانه‌های همگانی است. فقط به یک شیوه می‌توان در برابر گرایش‌هایی از این دست ایستاد: پرورش برنامه‌ریزی‌شده انصاف، درستکاری، درست‌منشی، خودشناسی، و دل‌نگرانی عمیق برای بهروزی دیگران. هیچ‌کس نمی‌تواند یک بار برای همیشه گرایش‌های خودمدارانه را به طور کامل کنار بگذارد، اما اگر اخلاق‌مداری را بیاموزیم می‌توانیم با آنها مبارزه کنیم.

بنیادی‌ترین شالوده اخلاق‌شناسی روشن است: رفتار انسان بر بهروزی دیگران تأثیر می‌گذارد. ما می‌توانیم با اعمالمان کیفیت زندگی دیگران را کاهش دهیم یا آن را بهبود ببخشیم؛ به دیگران آسیب برسانیم یا آنها را یاری کنیم. علاوه بر این، قادر به فهم این نکته نیز هستیم که چه زمانی کار نخست و چه زمانی کار دوم را انجام می‌دهیم. چرا؟ چون از قابلیت تخیل و خلاقیت برخورداریم و می‌توانیم، قبل از دست‌زدن به یک کار، خودمان را جای دیگران بگذاریم تا ببینیم که اگر دیگری همان کار را با ما بکند چه تأثیری بر ما می‌گذارد.

شاید به همین دلیل است که تقریباً همه آدم‌ها، دست‌کم در شعار، از اصول اخلاقی مشترکی دم می‌زنند؛ مثلاً اینکه کارهایی همچون فریب‌دادن، کلاه‌برداری، بهره‌کشی، آسیب‌رساندن، یا دزدی کردن اخلاقاً نادرست‌اند؛ یا اینکه همگان اخلاقاً موظف‌اند به حقوق دیگران (از جمله، حق آزادی یا به‌زیستی) احترام بگذارند و به کسانی که شدیداً نیازمندند کمک کنند و در پی خیر عمومی (نه فقط منفعت و لذت شخصی) باشند و به هر طریق که می‌توانند برای برقراری بیشتر عدالت و انسانی‌تر کردن جهان بکوشند.

حتی بچه‌ها هم مفهوم‌های اخلاقی را تا حدودی درک می‌کنند؛ برای مثال، فرق بین یاری‌رساندن به دیگران و آسیب‌رساندن به آنها را متوجه

می‌شوند. اما متأسفانه آنها هم، درست مثل بزرگ‌ترها، معمولاً در مورد آسیبی که به خودشان می‌رسد حساسیت بیشتری نشان می‌دهند تا آسیبی که خودشان به دیگران می‌رسانند:

- «اصلاً منصفانه نیست! پول توجیبی سارا از من بیشتره!»
- «نمی‌ذاره با اسباب‌بازی‌هاش بازی کنم!»
- «من کاری باهاش نداشتم، ولی اون منو کتک زد. واقعاً که خیلی بچه بدیه!»
- «به من قول داد عروسکمو بهم پس می‌ده. اما حالا زیر قولش زده!»
- «بدجنس! بدجنس!»
- «تو بازی کردی؛ حالا نوبت منه. اصلاً منصفانه نیست!»

## ۲.۱. فهم عمیق: شرط لازم اخلاقی زیستن و داوری اخلاقی

توافق زبانی بر سر اصول اخلاقی شاید مقدمه‌ای برای تحقق هدف‌های اخلاقی باشد اما توافق زبانی، به‌تنهایی، برای تحقق این هدف‌ها یا ایجاد دگرگونی مثبت در جهان کافی نیست. اصول اخلاقی فقط زمانی ارزش و اهمیت دارند که جامه عمل پوشیده و در رفتار انسان‌ها جلوه‌گر شوند؛ و این، علاوه بر پیش‌های اخلاقی، نیازمند مهارت‌های فکری نیز هست.

نیاز ما به مهارت‌های فکری به این دلیل است جنبه‌های اخلاقی جهان هیچ‌گاه به صورت شفاف در برابر ما قرار نمی‌گیرند. پروپاگاندا و خودفریبی جزء پدیده‌های بسیار شایع جهان‌اند. بحث‌هایی که در گفت‌وگوهای عمومی و رسانه‌ها صورت می‌پذیرند آزاد و بی‌طرفانه نیستند. صاحبان قدرت و ثروت برای آنکه مردم رویدادها را چنانکه آنها می‌خواهند ببینند پول‌های کلانی هزینه می‌کنند. افزون بر این، خود ما مردم نیز، به علت تأثیرپذیری از جامعه و فرهنگی که در آن رشد کرده‌ایم، آمادگی فراوانی داریم که برخی اشخاص و ملت‌ها را در جبهه خیر ببینیم و برخی دیگر را در

جبهه شر؛ و ناگفته پیداست که معمولاً خودمان را در جبهه خیر و دشمنان را در جبهه شر می بینیم.

«ما باید جهان را از لوٹ وجود شر پاک کنیم.»

«اکنون زمان آن است که میان خودمان و اشرار یک خط قرمز ترسیم کنیم.»

«ما سراسر جهان را به عرصه نبرد پی گیر با اشرار تبدیل خواهیم کرد و در این جنگ پیروز خواهیم شد.»  
«یا با مایید یا در برابر ما.»

جرج بوش، ۲۰۰۲

اما آیا تعیین خیر و شر، باید و نباید، و ... همیشه به همین سادگی است که جرج بوش تصویر می کند؟ مسلماً خیر. بسیاری اوقات، پاسخ این پرسش که کدام کار اخلاقی است و کدام غیر اخلاقی آشکار و بدیهی نیست و نیاز به بحث و گفت و گو دارد. بسیاری کارها ممکن است در گروه سیاسی یا دینی الف عادی یا حتی ستودنی باشند، اما در گروه سیاسی یا دینی ب نگوئش شوند. برای مثال، مراسم عمرگشان را در نظر بگیرید. در حالی که برخی شیعیان ایراد اخلاقی در این مراسم نمی بینند یا حتی ستایشش می کنند و حکومت هایی مثل صفویه از برگذاری اش حمایت کرده اند، برخی دیگر از شیعیان آن را نگوئش می کنند و حکومت کنونی ایران آن را ممنوع کرده است و آشکار است که چنین مراسمی از نظر مسلمانان اهل سنت تا چه اندازه نگوئیدنی است.

البته، عکس مشکلی که به آن اشاره کردیم نیز ممکن است پیش بیاید؛ یعنی کسانی سعی کنند موضوع های اخلاقی روشن را پیچیده و نیازمند بحث های طولانی جلوه دهند. بعضی وقت ها تشخیص اینکه یک کار به دیگران آسیب می رساند یا به آنها کمک می کند چندان دشوار نیست. مشکل در جای دیگری است: تمایل انسان ها به تمرکز بر منافع خود و نزدیکانشان.

این تمایل را می‌توان در رفتار گروه‌های ملی، دینی، و قومی به‌روشنی مشاهده کرد. آنها به زندگی و بهروزی خودشان بسیار اهمیت می‌دهند اما کمتر پیش می‌آید که همین توجه را به زندگی و بهروزی دیگران (گروه‌های ملی، دینی، و قومی دیگر) نیز نشان دهند. گروه‌های ملی و ... به خود حق می‌دهند که در پی پول، قدرت، و وجهه هر چه بیشتر برای خودشان باشند، اما کمتر پیش می‌آید که به پیامدهای این زیاده‌خواهی‌ها برای ملت‌ها، اقوام، و پیروان ادیان دیگر بیندیشند. در نتیجه، در هر جامعه‌ای، افراد اندکی را می‌توان یافت که هنگام روبه‌رویی با «بیگانه‌ها» یا «غریبه‌ها» یا پیروان ادیان دیگر یا کسانی که به اقوام دیگر تعلق دارند اصول اخلاقی را رعایت کنند. بیشتر آنها، حتی اگر هنگام روبه‌روشدن با «خودی‌ها» اصول اخلاقی را پاس بدارند، در مواجهه با غیرخودی‌ها به شیوه‌ای دیگر رفتار می‌کنند. به عبارت دیگر، در عمل کردن به اصول اخلاقی، استانداردهای دوگانه دارند؛ و این استانداردهای دوگانه تقریباً در همه جوامع به شکلی زنده دیده می‌شوند.

البته هنگامی که از «زنده» بودن این امر سخن می‌گوییم منظورمان زنده‌بودن از دید ناظر بی‌طرف است. خود کسی که آن استانداردهای دوگانه را دارد مطمئناً برای توجیه کارش دلیل‌تراشی‌هایی دارد. مثالی بزنیم. فرض کنید مونیکا یک شهروند آمریکایی است که می‌داند سیاست‌های ترامپ، به احتمال فراوان، تأثیر منفی قابل‌ملاحظه‌ای بر زندگی انسان‌ها در برخی کشورهای دیگر خواهد گذاشت اما، به امید افزایش رفاه شهروندان آمریکایی، می‌خواهد به او رأی دهد. حال، اگر از او بپرسید که چرا، به امید بیشتر شدن رفاه خودش و سایر شهروندان آمریکایی، به افزایش رنج برخی ملت‌های دیگر رضایت داده است، چه واکنشی نشان خواهد داد؟ ممکن است بگوید شهروندان آمریکایی شایستگی بیشتری برای زندگی خوب دارند و با رئیس‌جمهور شدن ترامپ صرفاً حق به‌حق‌دار می‌رسد. و اگر بپرسید چرا شهروندان آمریکایی شایستگی بیشتری برای زندگی خوب

دارند چه خواهد گفت؟ چه قدر احتمال دارد که در پاسخش نشانه‌ای از دلیل‌تراشی دیده نشود؟

چارهٔ این مشکل در پرورش فضیلت‌های اخلاقی و نیز فضیلت‌های فکری است. هیچ راه مشخص و آسانی برای پرورش فضیلت‌های اخلاقی و فکری در انسان‌ها وجود ندارد، اما از طریق ترغیب آنها به پرورش این فضیلت‌ها و مواجه‌کردنشان با موقعیت‌های اخلاقی می‌توان به توفیق نسبی در این امر دست یافت. توجه به **سنجه‌های فکری** (بخش ۷) و به‌کارگیری سنجه‌های فکری در مورد **عنصرهای اندیشه** (بخش ۷) نیز می‌تواند به پرورش فضیلت‌های فکری در افراد کمک کند.

خلاصه اینکه، افراد اخلاق‌مدار، هر قدر هم که برای انجام‌دادن کار درست انگیزه داشته باشند، تا زمانی که به فهم عمیق دست نیابند و ندانند چه کاری اخلاقاً درست است قادر به عمل اخلاقی نخواهند بود. همچنین، اگر عواملی همچون منافع شخصی، امیال شخصی، یا تابوهای اجتماعی درک آنها از عمل اخلاقی را مخدوش کنند، قادر به تشخیص کار اخلاقاً درست نخواهند بود. بر این اساس، کسی که مشتاق اخلاقی زیستن است باید هنر نقد خود و جامعه را کسب کرده و بیاموزد که خودش را از نظر اخلاق‌مدار بودن یا نبودن واری کند. باید شایع‌ترین مانع‌های داوری اخلاقی صحیح را بشناسد: اموری همچون **نارواداری اخلاقی**، خودفریبی، و دنباله‌روی غیرسنجشگرانه از دیگران.

جمع‌آوری اطلاعاتی که به داوری‌های اخلاقی ربط پیدا می‌کنند دشوار است و شمار اندکی از افراد به این دشواری توجه می‌کنند. پی‌بردن به برآیندهای اخلاقی اطلاعات موجود (اینکه از اطلاعات موجود چه نتیجه‌های اخلاقی بر می‌آید) یک مهارت است و شمار اندکی از افراد چنین مهارتی دارند. اندک‌اند کسانی که قادر به شناسایی تناقض‌های اخلاقی خودشان هستند و می‌توانند میان منافع شخصی یا امیال خودمدارانه‌شان و حقایق اخلاقی تمایز بگذارند. همچنین، اندک‌اند کسانی که دربارهٔ داوری‌ها